

Formulation of Political Participation in the Legitimate Political System; Quranic Approach

Ali Aghajani *

Assistant Professor, Department of Political Science,
Research Institute of Social Sciences, Research Institute
and University, Qom, Iran

Accepted: 28/12/2023

Received: 24/06/2023

eISSN: 2538-2012

ISSN: 2008-9252

Abstract

Introduction

The topic of political participation is considered one of the most important and delicate political challenges and debates both in the field of opinion and in the field of action in Iranian society and in the contemporary period, especially in the system of the Islamic Republic of Iran. Therefore, in response to the question of the forms of political participation in the religious legitimate political system in the approach of the Qur'an, the hypothesis based on the theoretical framework of the forms and types of political participation in political science and the method of thematic interpretation of the Qur'an follows that: types of participation aimed at political action, supportive, questioning, critical and protesting, selective, decision-making, organizational and negative/controversial political participation under the legitimate political system is one of the positive and negative types of political participation under the legitimate political system. Each of these forms is also based on the reasons and evidences in the Qur'an, the negative type of which is rejected from the Qur'an's point of view. The necessity of supporting the legitimate political system based on verses such as Nafar, Jihad, Hijra, etc.; the necessity of acting on the decisive result obtained from the consultation by the Sharia ruler and especially the non-infallible one in non-revealed matters; the need for criticism, leadership, and creditability; and the desirability of competition in better and stronger administration of the society is one of the findings of the research. In

* Corresponding Author: hashemnezhad

How to Cite: Aghajani, A. (2023). Formulation of Political Participation in the Legitimate Political System; Quranic Approach, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(54), 121-157.

the preparation of the research, the research tends to a theory that it calls the theory of maximum conditional political participation, which considers the people as the owners of political rights, but considers the jurists to be generally and potentially appointed, but leaving the power is the act of political power. They are based on the acceptance and choice of the people, and political participation is a basis of the legitimacy of the political system. This theory can be the best interpretation of religious democracy.


Investigating political participation in religious texts, especially in the Holy Quran, requires attention to several points. The first point is to pay attention to this subtle issue that it is not possible to take the concepts of today such as political participation which is discussed in the contemporary environment completely from the concepts and terms of yesterday and try to impose all its conditions and rulings on today to show or impose today's conditions and rulings on the concepts contained in the Qur'an. On the one hand, the research has analyzed the supportive, critical-reformative, competitive-selective models in the Quranic attitude and has shown the different dimensions of political participation under the legitimate political system in the Quran based on thematic interpretation sources. On the other hand, the research, based on the method of interpretation of the subject, which is a collection based on theory and comprehensive ijtihad in a specific subject and problem, has an opinion on a theory that it calls the theory of maximum conditional political participation or political participation and implementation. This theory considers the people to be the owners of political rights, but unlike the selection theory, it also considers jurists to be generally and potentially appointed, but their removal from power is based on the act of their political power based on acceptance, influence, and choice, and in a word, the political participation of the people, and since the people are the electors of the ruling jurist, they have the possibility of being present and playing a role in all kinds of political participation. From the perspective of research, this theory can be the best interpretation of religious democracy. But if we do not accept this opinion, their verses and texts and their conceptual network indicate that the path of maximum political participation under the leadership of the jurist is open. Based on this, the levels of political participation according to the political system can be divided into two sub-categories: legitimate political

system and illegitimate political system, which have two types, positive and negative. Participation is aimed at supportive, questioning, critical, and protesting political action, participation is aimed at selective political action, participation is aimed at decision-making political action, and participation is aimed at organizational political action and negative/controversial political participation under the legitimate political system. It is one of the positive and negative types of political participation under the legitimate political system. Each of these is based on reasons and evidences in the Qur'an, the negative type of which is rejected from the Qur'an's point of view.

Keywords: legitimate political system, supportive/decision-making/selective political participation, political-thematic interpretation of the Qur'an, political speech, religious democracy.



صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی

استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران *  **علی آقاجانی**

چکیده

مبحث مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین و ظریف‌ترین چالش‌های سیاسی و معرکه آرا هم در ساحت نظر و هم در صحنه عمل در جامعه ایرانی و در دوره معاصر به ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بر این اساس در پاسخ به پرسش از صورت‌های مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع دینی در رهیافت قرآن، فرضیه بر پایه چارچوب نظری اشکال و انواع مشارکت سیاسی در علوم سیاسی و روش تفسیر موضوعی قرآن در پی آن است که: انواع مشارکت معطوف به کنش سیاسی حمایت‌گرا، پرسش‌گرا، منتقدانه و معترضانه، انتخاب‌گرا، تصمیم‌سازانه، تشکل‌گرایانه و مشارکت سیاسی منفی/معارضه‌جویانه ذیل نظام سیاسی مشروع از اقسام مثبت و منفی مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع است. هر کدام از این اشکال نیز مبتنی بر دلایل و شواهدی در قرآن است که نوع منفی آن از دیدگاه قرآن مردود است. لزوم و وجوب مشارکت حمایت‌گرا از نظام سیاسی مشروع بر پایه آیاتی مانند نفر، جهاد، هجرت و...؛ الزامی بودن عمل به نتیجه قاطعی که از مشورت حاصل می‌شود توسط حاکم شرعی و به ویژه غیر معصوم در امور غیر وحیانی؛ لزوم نقادی، سعه صدر و نقد‌پذیری؛ و مطلوبیت تسابق و مسابقه دادن در اداره بهتر و قوی‌تر جامعه از یافته‌های پژوهش است. پژوهش در تدارک تحقیق به نظریه‌ای تمایل دارد که آن را نظریه مشارکت سیاسی حداکثری مشروط یا واکارگذارانه نام می‌نهد که مردم را صاحب حق سیاسی می‌داند اما فقها را نیز به طور عام و بالقوه منصوب می‌شمارد ولی خروج از قوه به فعل قدرت سیاسی آنان بر اساس پذیرش و انتخاب مردم است و مشارکت سیاسی یک پایه شریعت نظام سیاسی است. این نظریه می‌تواند برترین ترجمان از مردم سالاری دینی هم باشد.

کلیدواژه‌ها: نظام سیاسی مشروع، مشارکت سیاسی حمایت‌گرا/تصمیم‌سازانه/انتخاب‌گرا، تفسیر سیاسی - موضوعی قرآن، کلام سیاسی.

* نویسنده مسئول: hashemnezhad

۱. مقدمه

مشارکت سیاسی در جامعه ایران یکی از مسایل پراهمیت مورد نیاز و معرکه آرا محسوب می‌شود. مبحث مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین و ظریف‌ترین چالش‌های سیاسی و معرکه آرا هم در ساحت نظر و هم در صحنه عمل در جامعه ایرانی و در دوره معاصر به ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این باره دیدگاه‌های گوناگونی از آبخورهای فکری متفاوت ارایه شده است. از آن جا که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در پی احیای تمدن اسلامی و ارایه رویکردی متفاوت از سایر رویکردهای بدیل است. بحث مشارکت سیاسی به عنوان یکی از دقایق مهم و گلوگاه‌های حساس این رویکرد می‌باید از جوانب مختلف مورد توجه و بررسی قرار گیرد. تا رویکرد مشارکت سیاسی قرآنی و اسلامی از رویکردهای بدیل سکولاریستی و لیبرالیستی مشخص و منفک گردد. این در حالی است که اصلی‌ترین منبع الهام، قرآن کریم است. بر همین اساس بررسی آیات مربوط به مشارکت سیاسی و زیر مجموعه‌های مرتبط با آن می‌تواند برای گره‌گشایی نظری و عملی در نظام جمهوری اسلامی موثر افتد. محور اساسی بحث مشارکت سیاسی در نظام مشروع و حکومت اسلامی به ویژه در عصر غیبت است.

مشارکت سیاسی معطوف به اهدافی است که در نگرش دینی سعادت جامع آن اهداف است اما در ذیل آن کارآمدی نظام سیاسی، قاعده‌مندسازی ورود و حضور در نظام سیاسی، تقسیم متوازن و متناسب قدرت، افزایش اعتماد میان دولت و ملت و احقاق حق و انتقال خواست‌های سیاسی و غیر سیاسی به نظام سیاسی از اهداف و کار ویژه‌های آن است. این موارد همگی امکان طرح در ذیل آموزه‌های قرآنی را دارد. بر این اساس شناخت مطلوب مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع بر اساس آموزه‌های قرآنی، و صورت‌بندی و اشکال و اجزای مشارکت سیاسی نسبت به نظام سیاسی در قرآن اهداف کلیدی تحقیق است.

براین اساس در پاسخ به پرسش از اشکال و انواع مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع فرضیه بر پایه روش تفسیر موضوعی شکل گرفته که چنین است: مشارکت معطوف

به کنش سیاسی حمایت‌گرایانه، پرسش‌گرایانه، منتقدانه و معترضانه، مشارکت معطوف به کنش سیاسی انتخاب‌گرایانه، مشارکت معطوف به کنش سیاسی تصمیم‌سازانه، و مشارکت معطوف به کنش سیاسی تشکل‌گرایانه و مشارکت سیاسی منفی/معارضه‌جویانه ذیل نظام سیاسی مشروع از اقسام مثبت و منفی مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع است. که هر کدام مبتنی بر دلایل و شواهدی در قرآن است که نوع منفی آن از دیدگاه قرآن مردود است.

۱-۱. تبارشناسی و پیشینه پژوهش

درباره مشارکت سیاسی در قرآن و تفاسیر نیز مقالات محدودی وجود دارد. مانند مقاله حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم (ر.ک؛ سیدباقری، ۱۳۹۷: ۴۱-۶۵) که مشارکت سیاسی و نقش آن در آزادی را در سه مرحله کسب قدرت، تثبیت قدرت، و نظارت بر قدرت رصد کرده است. مقاله دیگر نیز مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات (ر.ک؛ یزدانی، ۱۳۹۷: ۴۸-۷۳) است که این دو مقاله مستقیم مرتبط با موضوع پژوهش‌اند. اما اثری به صورت مستقل بسیار محدود است.

در سال‌های اخیر سه کتاب به بازار نشر آمده است که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش دارند. اما جامعیت پژوهش حاضر را در موضوع ندارند و نیز اگرچه به قرآن استناداتی دارند اما معطوف به قرآن نیستند. کتاب مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه (ایزدهی، ۱۳۹۶) نخستین و جدی‌ترین آن است در این زمینه به شمار می‌رود و توصیفی فقهی از مشارکت سیاسی ذیل دو نظام سیاسی مشروع و نامشروع به دست داده است. اما تمرکز بر مباحث قرآنی و تفسیری ندارد. کتاب شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی (خلوصی، ۱۳۹۵) کتاب دیگری است که به چاپ رسیده است. در کتاب راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی (رحمانی، ۱۳۹۴) نیز الگوها و راهکارهای مشارکت سیاسی با نگاه فقه سیاسی شیعه بررسی شده است. در مجموع بداعت این تحقیق آن است که به صورت جامع صورت‌بندی مشارکت سیاسی

ذیل نظام سیاسی مشروع در قرآن را بررسی نموده است. نکته ای که در هیچ یک از آثار ذکر شده نیست. بدین معنا که چارچوب نظری در شکل‌بندی مشارکت سیاسی و چارچوب روشی در تفسیر موضوعی در هیچ یک از آثار موجود نیست. به طور مثال اگرچه ایزدهی مشارکت سیاسی ذیل نظام مشروع را کاویده است اما تقسیم‌بندی موجود در چارچوب نظری این مقاله و نیز روش تفسیر موضوعی و تمرکز بر قرآن را ندارد و ادبیات آن فقهی است. همچنین سیدباقری اگرچه نگاه قرآن را بررسی کرده است و به مشارکت مثبت و منفی هم اشاره کرده است؛ اما در محتوا پرداختی نحیف دارد و فاقد تقسیم‌بندی مستوفی در چارچوب نظری مقاله حاضر و نیز چارچوب روشی تفسیر موضوعی است؛ نتایج و یافته‌های پژوهش موجود را ندارد و اساساً تمرکزش نیز نه اشکال منطقی مشارکت سیاسی ذیل نظام مشروع در قرآن بلکه رابطه آزادی و مشارکت است. بر این پایه نوآوری مقاله حاضر روشن می‌شود که مهم‌ترین آن تقسیم‌بندی از مشارکت در نظام مشروع و عرضه آن به قرآن و اصطیاد آیات و تفاسیر در نسبت با آن است.

۱-۲. روش پژوهش

روش پژوهش کتابخانه‌ای است و از روش تفسیر موضوعی اجتهادی استفاده می‌کند. تفسیر اجتهادی را از زاویه‌ای می‌توان به تفسیر اجتهادی ترتیبی و تفسیر اجتهادی موضوعی تقسیم نمود. در تفسیر موضوعی تلاش اجتهادی در جهت تبیین موضوع و یا عنوان خاص قرآنی صورت می‌گیرد که پژوهش حاضر از این مقوله است.

درباره تفسیر موضوعی، تعاریف مختلفی مطرح شده است. سید محمدباقر صدر در تبیین تفسیر موضوعی بر آن است که در این روش مفسر آیات قرآن را آیه به آیه همانند تجزیه‌ای بررسی نمی‌کند بلکه مفسر می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، ایدئولوژیکی یا اجتماعی یا جهان بینی که قرآن متعرض آن شده متمرکز سازد و آن را تبیین و تحقیق و مطالعه نماید (ر.ک؛ صدر، بی‌تا، ۱۳۹۹، ۱۲). سید محمدباقر حکیم (ر.ک؛ حکیم، ۱۳۷۸، ۳۶۸-۳۶۳) نیز بر دیدگاه استاد خود شهید صدر است. در این دو تعریف معیار اشتراک موضوعات روشن نیست.

برخی دیگر آن را این گونه تعریف کرده‌اند، « علمی که درباره قضایای قرآنی که از لحاظ معنایا غایت با هم متحدند بحث می‌کند. از طریق گردآوری آیات متفرقه و تأمل در آنها با روش مخصوص و با شروط خاص برای بیان آیات و استخراج عناصر قرآن و ربط آیات با یکدیگر (ر.ک؛ عبدالستار، ۱۴۱۸ ق) تعاریف مختلف دیگری نیز صورت گرفته است (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۱۱؛ مسلم، ۱۴۲۱ ق: ۱۶) محمد باقر معرفت نیز تفسیر موضوعی را پاسخ‌گویی به مسأله‌های مطرح شده می‌داند؛ البته گاه مسأله از درون قرآن و پاسخ هم از درون قرآن می‌باشد و گاه مسأله از متن واقعیت‌های زندگی و نیازهای اجتماعی گرفته می‌شود و پاسخ آن از قرآن. که این شیوه ی دوم و درست استنتاج است که بر اساس کلام امیرمؤمنان است «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ... (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸). معرفت چهار گونه تفسیر موضوعی را بر می‌شمارد (ر.ک؛ مرویان، ۱۳۸۷: ۸۹).

تعریف مختار پژوهش از تفسیر موضوعی با استفاده از برخی دیدگاه‌ها (ر.ک؛ جلیلی، ۱۳۷۲: ۱۷۰) چنین است «کوششی است استنتاجی در فهم روشمند نظر قرآن در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری آیات پیرامون مسائل و موضوعات زنده علمی و نظری برخاسته از معارف بشری که که از لحاظ معنایا غایت با هم متحدند و انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص داشته باشد».

بر این پایه موضوع پژوهش یعنی مشارکت سیاسی در بررسی قرآنی تفسیر موضوعی از نوع تک مفهومی است زیرا یک مفهوم را در قرآن و می‌رسد. بدین جهت در کاوش و تحقیق پدیده مشارکت سیاسی به عنوان موضوع تفسیر موضوعی علاوه بر نصوص و آیات قرآنی که محور اصلی بحث هستند به معارف عصری و تفاسیر مرتبط و علمی مانند تاریخ و سیره و کلام و فقه برای تبیین سخن حق الهی در این باره مراجعه خواهد شد و دیدگاه مولف بیان می‌گردد.

۲. چارچوب نظری؛ انواع مشارکت سیاسی

در جهت تمهید نظری بحث مشارکت سیاسی، پژوهش به سامانه‌ای نیاز دارد تا بنای پژوهش بر زیرساخت آن مستقر گردد و سیر کلی تحقیق را پشتیبانی کند. مشارکت سیاسی

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۲۹

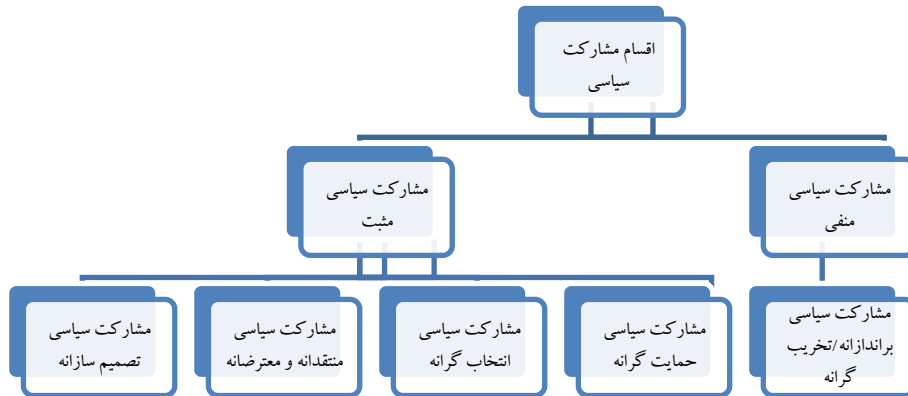
چهره‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. الف. مشارکت سیاسی حمایتی که در جهت حمایت از رژیم سیاسی صورت می‌گیرد مانند حضور در انتخابات، راهپیمایی حمایتی، پرداخت مالیات، و... ب. مشارکت سیاسی انتقادی، مانند نقد دولتمردان و برنامه‌های دولت در سطوح مختلف جامعه از خانه تا مطبوعات و میتینگ‌ها، احزاب مخالف، و... ج. مشارکت سیاسی اصلاحی مانند حضور در تشکل‌ها و احزاب و سندیکاها، استیضاح اعضای هیات دولت یا رییس جمهور، حضور در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و... د. مشارکت سیاسی رقابتی مانند شرکت در انتخابات برای انتخاب شدن و انتخاب کردن، و... ه. مشارکت سیاسی اعتراضی مانند حضور در اعتصابات مدنی، راهپیمایی‌های اعتراض مدنی، و...

شاکله اصلی مشارکت سیاسی را ابعاد مثبت آن تشکیل می‌دهد. گرچه پاره‌ای نیز هر کنش سیاسی داوطلبانه و آگاهانه موثر در سرنوشت سیاسی فرد و جامعه را اگر چه منفی باشد مشارکت سیاسی دانسته‌اند (Reynolds, p. 180؛ مجدی نسب، ۱۳۹۴: ۵۵). مشارکت سیاسی در بعد مثبت به رفتارهای مشروع سیاسی اطلاق می‌شود که موارد زیر را در بر می‌گیرد: الف. رای دادن ب. مبارزات انتخاباتی ج. کمک به احزاب یا نامزدها د. عضویت در باشگاه‌های سیاسی ه. عضویت در گروه‌های فشار یا خرده فرهنگ‌های سیاسی و. عضویت در احزاب سیاسی ز. تعلق‌نگرشی و رفتاری به جناح‌های سیاسی (و نه الزاماً عضویت در آنها) ج. هرگونه پرسش، نقد، اعتراض و نصیحت نسبت به نظام سیاسی. ابعاد منفی مشارکت سیاسی نیز در مصادیق ذیل متبلور است: الف. پیروی از عقاید افراطی ب. اقدام به اعمال خشونت بار ج. ترور یا آدم‌کشی سیاسی د. شورش که این نوع رفتارهای نامشروع از آن رو شکلی از مشارکت سیاسی است که اگر گسترده و شایع باشد بیشتر از رای دادن بر خط مشی‌های سیاسی حکومت، تاثیر گذار و تعیین‌کننده است (Reynolds, p. 180).

بر همین اساس برخی نیز اشکال مشارکت سیاسی را در دو نوع عرفی و غیر عرفی تقسیم کرده‌اند. مشارکت سیاسی عرفی مانند مبارزات انتخاباتی است و مشارکت سیاسی

غیر عرفی شامل کنش‌های قانونی و غیر قانونی است. چنان‌که بیگلی نیز از شش نوع مشارکت سیاسی شناختی، بیانی، سازمانی، انتخابی، دولتی و چریکی نام می‌برد (ر.ک؛ مجدی نسب، ۱۳۹۴: ۵۵). دال نیز مشارکت سیاسی را بر اساس قانون‌مندی و عدم قانون‌مندی به مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز و مشارکت سیاسی غیر مسالمت‌آمیز طبقه‌بندی می‌کند (ر.ک؛ مصفا، ۱۳۷۵: ۵۶). در این پژوهش با پذیرش تقسیم‌بندی مشارکت سیاسی به مثبت و منفی منظور از مشارکت سیاسی بیشتر ابعاد مثبت و مسالمت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز خواهد بود که مبتنی بر همکاری و تعامل باشد. مشارکت منفی، خشونت‌آمیز و براندازانه را که مبتنی بر اعتراض و معارضة و مبارزه است را کم‌تر در بر می‌گیرد. زیرا اگرچه مشارکت منفی کنش سیاسی تلقی می‌شود اما عمده تلقی از مشارکت سیاسی معطوف به مشارکت مثبت و مسالمت‌آمیز و درون رژیم سیاسی است که در اشکال حمایت، نقد، اعتراض، انتخاب کردن و انتخاب شدن و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی متصور است. نیز قرآن اعمال سیاسی خشونت‌ورزانه علیه حکومت مشروع را از جهت ارزشی نامقبول انگاشته و تحت عنوان بغی نفی می‌نماید. اگرچه روندهای علیه رژیم و معارضانه نسبت به حکومت نامشروع را می‌ستاید که در جای خود بدان می‌پردازیم. بنا براین مشارکت سیاسی منفی نسبت به نظام نامشروع از منظر قرآن مقبول و نسبت به نظام مشروع و حق از حیث ارزشی نامقبول است.

نمودار ۱. نمودار اقسام مشارکت سیاسی



۳. بررسی مفاهیم: مشارکت سیاسی (political participation)

تعاریف و نگره‌های مختلفی از مشارکت سیاسی نزد اندیشه ورزان علوم سیاسی وجود دارد. البته این تعاریف متفاوت برخاسته از خاستگاه‌های فکری و نظری متفاوت است. با این حال اشتراک در برخی مؤلفه‌ها وجود دارد. مشارکت سیاسی با نظریه‌های مهمی در ارتباط است و این نظریه‌ها دامنه مشارکت سیاسی را دچار قبض و بسط می‌کنند. نظریه نخبه‌گرایی (Elitism theory) مشارکت سیاسی قابل توجه را به نخبگان محدود و محصور می‌کند و توده‌ها را عمدتاً غیر فعال یا آلت دست نخبگان می‌داند؛ نظریه کثرت‌گرایی (pluralism theory) مشارکت سیاسی را کلید رفتار سیاسی می‌داند، زیرا عامل مهمی در تبیین توزیع قدرت و تعیین سیاست‌هاست. این دیدگاه اگر از محمل پلورالیستی مطلق و معرفت‌شناختی آن که از نظر اسلامی نامقبول است منفک گردد و به فرایندهای سیاسی محدود گردد می‌تواند مفید فایده باشد. در نظریه‌های مارکسیستی نیز مشارکت سیاسی اهمیت دارد، اما اشکال این رویکرد سرشت طبقاتی و توجه افراطی به ساختارها و غفلت از عینیت کار گزار است.

بر این اساس تعاریف مختلفی از مشارکت سیاسی وجود دارد. برخی آن را «مشارکت سیاسی، هر عمل داوطلبانه موفّق یا ناموفّق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر،

که شامل به کارگیری روش‌های قانونی و یا غیرقانونی برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی می‌باشد» (پای، ۱۳۷۰). برخی دیگر آن را رفتاری که قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد معرفی کرده‌اند. (میل برات) و پاره‌ای آن را کوشش‌های شهروندان غیر دولتی برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی انگاشته‌اند. (ساموئل هانتینگتون و جان نلسون) (ر.ک؛ آب نیکی، ۱۳۹۰: ۱۰۹ - ۱۳۲) در تعریف راش «مشارکت سیاسی در گیرشدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی، است» (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). به نظر برخی مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال است که شهروندان به وسیله آن اعمال، در جست‌وجوی نفوذ در حکومت و سیاست خاصی یا حمایت از آن هستند (ر.ک؛ فیرحی، ۱۳۷۷: ۴۴). از منظری دیگر مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (ر.ک؛ مصفا، ۱۳۷۵: ۹). یا آن که به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی است (ر.ک؛ علیخانی، ۱۳۷۷: ۶۱).

بر این اساس مشارکت سیاسی به معنای شرکت فعالانه و اغلب آگاهانه افراد جامعه به صورت فردی یا جمعی در عرصه عمومی و فرایند نفوذ اجتماعی و اعمال قدرت، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا به صورت حمایتی، نظارتی و رقابتی است. بر این پایه اولاً اکثر کنش‌های غیرآگاهانه خارج می‌شود. ثانیاً کنش‌های منفعلانه خارج می‌گردد. هم‌چنین مشارکت سیاسی مطلوب و آرمانی از دیدگاه دینی فعالیت است که سعادت جامع مادی و معنوی جامعه را مدنظر قرار دهد و به شکل و بعد خاصی از آن به ویژه سعادت مادی تقلیل نیابد. هم‌چنین در این تحقیق مناسبات و روابط اعمال قدرت در جامعه و نسبت به حکومت مدنظر است.

کاربست چارچوب نظری که شکل دهنده ساختار و مبنای پژوهش است بدین شکل

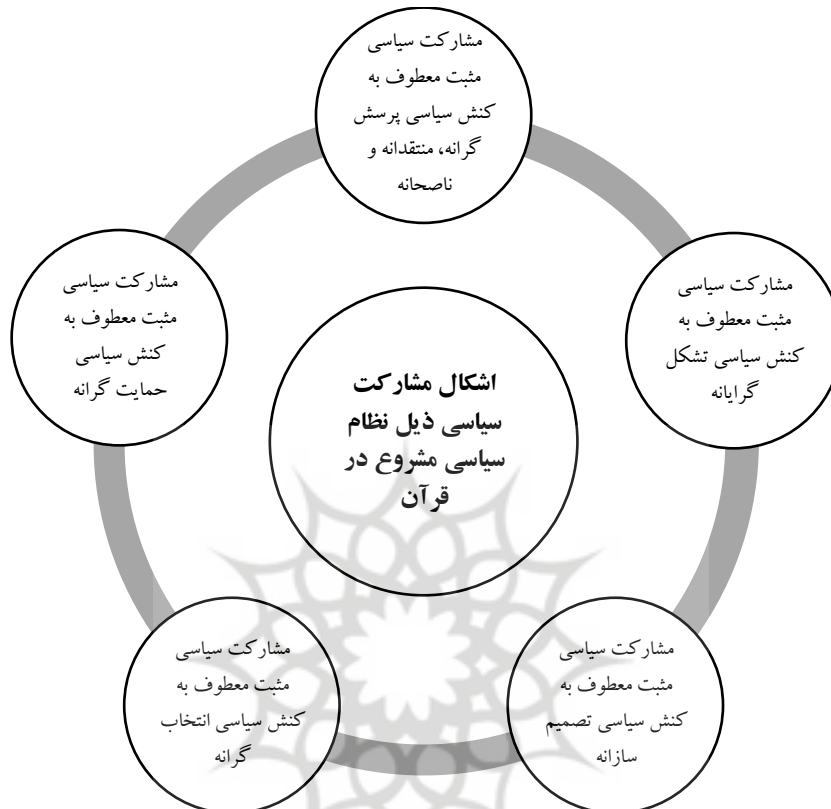
صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۳۳

است که در چارچوب نظری انواع و اقسام نظری مشارکت سیاسی بررسی شده و این اقسام در قرآن نسبت به مشارکت سیاسی ارزیابی و ظرفیت سنجی می‌شوند. در واقع ساختار بحث درباره مشارکت سیاسی در نظام مشروع در آیات قرآنی برخاسته از شکل‌بندی اقسام مشارکت سیاسی در چارچوب نظری است. از این رو همان گونه که در چارچوب نظری از اقسام مثبت حمایت‌گرا، پرسش‌گرا، منتقدانه و معترضانه، انتخاب‌گرا، تصمیم‌سازانه، تشکل‌گرایانه و مشارکت سیاسی منفی بحث می‌شود همین صورت‌بندی در واکاوی موضع قرآن لحاظ می‌گردد.

۴. بحث: (واکاوی اشکال مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع)

مشارکت سیاسی به اعتبار نظام سیاسی را می‌توان به مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی نا مشروع و مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع تقسیم‌بندی نمود که هم مثبت و هم منفی را در بر دارد. در قرآن نظام سیاسی مشروع با عناوین و مفاهیم و واژگانی چون ولایت، امامت، عدالت و مانند آن توصیف شده است. بر این اساس از دیدگاه قرآن نظامی مشروع است که ذیل حاکمیت الهی قرار گیرد (یوسف/۴۰؛ انعام/۵۷) و واجد خصیصه عدالت بوده و عادل باشد و بر پایه رضایت عمومی استوار باشد. البته کنش‌ها و واکنش‌های این نظام سیاسی بر پایه سنت‌های الهی (احزاب: ۳۸) و نظام اسباب و مسببات که همان قواعد و قوانین حاکم بر نظام طبیعت و بشریت است می‌باشد. اما در نظام مشروع نیز از دیدگاه قرآن مشارکت سیاسی قانون‌مند امکان و ضرورت دارد که در چهره‌های مختلف قابل تصویر است.

نمودار ۲. اشکال مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع در قرآن



۴-۱. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی حمایت‌گراانه

نخستین چهره مشارکت سیاسی حمایت از نظام سیاسی مشروع است که قرآن نیز بدان توجه و تفضل دارد. بر این اساس حمایت از آن به صورت کلی امری روا، لازم و بلکه واجب است که از طریق مشارکت در فرایندهای سیاسی رخ می‌دهد. گروهی از آیات به صورت صریح یا ضمنی بر این سویه از مشارکت سیاسی اشاره و تاکید دارند. این گروه آیات از یک سو تلاش و تحرک و فعالیت کنش‌گران را در عرصه سیاست و اجتماع می‌رساند و از سوی دیگر حرکت بر پایه ایده و دستور متعالی و یا مساوی را نشان می‌دهد. از این رو این گروه آیات مانند آیات نجر، جهاد، هجرت و... ترسیم‌کننده مشارکتی حمایت‌گرایانه در جامعه‌ای با سازوکارهای مشارکت سنتی است.

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۳۵

برخی از آیات را می‌توان در این جهت مثال و نمونه آورد. این آیات را شاید بتوان در چند رشته معین و مشخص نمود.

الف. گروهی از آیات بر اطاعت و حمایت جدی از رهبری حق و نظام سیاسی مشروع در عرصه عمومی به طور کلی و کلان دلالت دارند. ب. دسته‌آیاتی نیز بر امور مشخص و خرد مانند مشارکت در صفوف جهادگران به منظور حمایت و پشتیبانی و دفاع از نظام سیاسی دلالت دارد. در گروه نخست آیات متعددی بر اطاعت از نظام سیاسی مشروع و رهبری آن و تقدم آن بر خود در عرصه اجتماعی سیاسی که وجهه مشارکت سیاسی حمایت‌گرانه دارد وجود دارد. روایات مختلف و فراوان و نیز تاریخ سیاسی معصومان حاکم نیز بر این امر که لزوم مشارکت سیاسی حمایت‌گرانه و متابعانه است دلالت دارند. به برخی از آیات ناظر بر این نوع مشارکت سیاسی که ظاهر آیات یا شان نزول آن‌ها همگی بر مشارکت در عرصه عمومی و صحنه سیاسی دلالت دارند مانند آیات اطاعت (نساء: ۵۹)، آیه اولویت یعنی آیه ۶ احزاب، و آیات ۶۲ نور، ۲۴ انفال، ۱۵۷ اعراف، ۵۶ مائده می‌توان اشاره کرد.

به طور نمونه آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء: ۵۹) را می‌توان مطرح ساخت که در آن امر به اطاعت و تبعیت از حاکم مشروع در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت طلبانه شده است. البته در این که اولوالامر در آیه چه نوع کسانی است و مصادیق آن کدامند تفاوت دیدگاه وجود دارد. ابتدا میان اهل سنت و شیعه که گروه نخست عصمت را شرط نمی‌دانند و شیعه آیه را به جهت اطلاق اطاعت، دال بر عصمت و انحصار آن در امامان دوازده‌گانه به همراه پیامبر و زهرا (س) می‌دانند. البته در میان شیعه نیز به ویژه در دوره معاصر نظراتی مبنی بر عمومیت آن نسبت به حکومت مشروع وجود دارد و برخی مقالات نیز به تقویت آن پرداخته‌اند (ر.ک؛ آقاجانی، ۱۳۹۶: ۸۳-۱۰۴). اینان بر آنند که آیه به طور قطع دلالت بر معصومان دارد اما متوقف بر آنان نیست و بر منصوبان معصومان به طور سلسله‌مراتبی و تشکیکی نیز دلالت دارد. از این رو اولوالامر اعم از معصوم است (ر.ک؛ نجفی، ۱۴۰۴: ق:

۴۲۱-۴۲۲، منتظری، ۱۴۰۸ق؛ حسینی حائری، ۱۳۹۹ق: ۱۶۳، آذری قمی، ۱۳۷۱ و...). مثلاً تفسیر من وحی القرآن معتقد است که می‌توان به روایات تمسک کرد و قایل به وسعت مفهوم اولی الامر هم شد. به همین خاطر که احادیث اهل سنت بر اسلوبی است که به تطبیق به عنوان تفسیر اشاره دارد و این راه را بر تحلیل‌های مربوط به زمان نمی‌بندد. ضمن این که توجه به احتمال اطلاق آیه ما را در تمسک به آیه در موضوعات روز و در زمان غیبت امام(ع) توانا می‌سازد و مجالی برای نظام سازی ایجاد می‌کند (ر.ک؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷: ۳۲۵). در این صورت تبعیت و مشارکت حمایت‌گرا نه مختص به معصوم نبوده و تمامی دولت‌های دینی مشروع را در بر می‌گیرد.

در گروه دوم که برخی مصادیق حمایت از نظام سیاسی مشروع را بیان می‌کند مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی در جهت حمایت و تثبیت نظام سیاسی یا رهبری سیاسی مشروع مانند جهاد(انفال: ۷۵، توبه: ۲۰، انفال: ۷۲، و...)، مقاتله با دشمنان (آل عمران ۱۵۴، نساء/ ۷۴، بقره/ ۱۹۳. و...)، هجرت به دستور رهبر مشروع(توبه: ۲۰)، بذل مال و مانند آن مورد تاکید قرار گرفته است. روایات مختلف و فراوان و نیز تاریخ سیاسی معصومان حاکم نیز بر لزوم مشارکت سیاسی مبتنی بر حمایت و تبعیت در این امور دلالت دارند. مثلاً آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»(توبه: ۲۰) به اطاعت از رهبر مشروع در امر هجرت و جهاد به صورت توأمان دلالت دارد. گرچه به صورت مصادیقی بر نمونه‌های اعلاهی آن علی ابن ابی طالب منطبق باشد.

۴-۲. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی پرسش‌گرا نه، منتقدانه و

ناصحانه

از دیدگاه قرآن همان گونه که در نظام سیاسی نامشروع می‌توان مشارکت سیاسی و کنش سیاسی منتقدانه و معترضانه داشت در نظام سیاسی مشروع با حفظ نظام سیاسی و رهبر حق نیز این نوع مشارکت سیاسی امری امکان‌پذیر است. بدین معنا که نظام حق از طرح پرسش و نقد و نظر و اعتراض قانون‌مند سالم جلوگیری نمی‌کند. نقد به معنای سره کردن درهم‌ها

و شناخت درست از نادرست آن است. موارد متعددی را از قرآن می‌توان برشمرد و بر این کنش تفسیر نمود. مواردی که نسبت به رهبر، امام و پیشوای حق پرسش، نقد و اعتراض صورت گرفته و رویکرد قرآن همدلانه است. این موارد بر اساس قاعده جری و تطبیق و نیز قاعده جامعیت، جهانی بودن و فرا زمانی بودن قرآن قابل تسری به موارد مشابه است. عمومیت آیات امر به معروف و نهی از منکر یعنی به ویژه آیات ۱۱۰ آل عمران، آل عمران ۱۰۴، و توبه: ۷۱ نیز بر نگاه اصلاحی در نقد ذیل حکومت مشروع دلالت دارد. چنان که روایت مشهور المومن مرآت المومن (ر.ک؛ حرانی، ابن شعبه حرانی ۱۳۶۳/۱۷۳؛ مجلسی، ج ۷۴: ۲۶۹) و سایر روایات این چنین نیز بر این نکته ناظر است.

نصیحت و خیرخواهی و بیان راهکار یکی دیگر از کنش‌های سیاسی مشاکت جویانه است. این کنش می‌تواند همراه با انتقاد سازنده مبتنی بر تقویت و نه تضعیف و تخریب نیز باشد (ر.ک؛ شیرخانی، ۱۳۹۷: ۸۹). چنان که در آیات قرآن حرکت پیامبران در انتقاد از نگرش و کنش ملت خویش ناصحانه و خیرخواهانه تصویر شده است (اعراف: ۲۱، اعراف: ۶۸، اعراف: ۷۹، اعراف: ۹۳، توبه: ۹۱، هود: ۳۴، یوسف: ۱۱، قصص: ۱۲). اما ماده ذکر که از معانی مترادف و متعامل با نصح است ۲۹۲ بار در ۷۱ سوره قرآن به کار رفته است و بر آن تأکید شده است. مانند آیه «وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۵۵) که عمومیت آن حاکمان و رهبران سیاسی مشروع را نیز در بر می‌گیرد.

کلیدواژه نصیحت در قرآن از جمله در اعراف: ۶۸، همان: ۶۲، همان: ۹۳، همان: ۷۹. به کار رفته و با وجود معانی و مصادیق گوناگون یکی از ویژگی‌های مشارکت‌طلبی نصیحت‌گری مشفقانه دانسته شده است که اصالتاً به معنای خیرخواهی است. نصیحت خیرخواهی است که از ماده نصح و نصح گرفته شده است. نصح به معنای خالص شدن و خالص کردن؛ و نصح به معنای خلوص و بی‌غل و غش بودن است. بنابراین ناصح، کلام و عمل خود را از هر ناخالصی پاک نموده و انگیزه‌ای جز خیرخواهی ندارد.

بر این اساس معتقدیم که خیرخواهی عام است و در کنار مشورت دادن و حمایت کردن و اطاعت کردن به نحو التزامی به معنای انتقاد سالم و مشفقانه نیز می‌باشد و نقد سالم

و سازنده نیز قطعا از مصادیق آن تلقی می‌شود. چنان که برخی نویسندگان دیگر نیز بر این نظرند (شیرخانی، ۱۳۹۷؛ ایرنبرگر، ۱۳۷۵). در کتب لغت عربی و فارسی و هم اشعار و هم روایات عمومیت و هم در برگیرندگی آن نسبت به نقد نیز اشاره شده است. گرچه تفاوت‌هایی نیز دارد. انتقاد و حتی شاید امر به معروف و نهی از منکر، ممکن است با انگیزه مثبت و یا با انگیزه منفی همراه باشد، با نیت تصحیح و رفع نقص یا با نیت تخریب و از بین بردن طرف مقابل انجام گیرد. چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَحْضُ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ، حَسَنَةً كَأَنْتَ أَوْ قَبِيحَةً؛ وقتی که برادرت را اندرز می‌دهی چه نیک و چه ناهنجار، سخن از سر اخلاص گوی (نهج البلاغه: نامه ۳۱)؛ آیه ۶۸ سوره اعراف که می‌فرماید «أَبْلَغَكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» نیز شاهد مثالی می‌تواند باشد. از این رو ذیل حکومت مشروع یکی از ویژگی‌های برجسته کارگزاران و سیستم سیاسی تمهید مشارکت سیاسی سالم به منظور ارتقای توان اصلاح خطا است. زیرا همان‌گونه که امیرالمومنین فرمود هر که با نصیحت مخالفت کند، هلاک گردد (ر.ک؛ آمدی، ۱۴۲۹ق: ۱۵۳/ح ۷۷۴۳).

یکی از موارد بیان سعه صدر و نقد‌پذیری انبیا و رهبران نظام سیاسی مشروع در قرآن، با آن که از نظر اعتقادی معصومند برخورد کریمانه رسول مکرم اسلام با معترضان و منتقدان و حتی هتاکان و روایت قرآن از اخلاق اوست که آن را خلق عظیم (قلم: ۴) می‌نامد و بسیار ستوده و عامل گسترش اسلام معرفی م‌نماید (آل عمران: ۱۵۹). بدین معنا که پیامبر به عنوان رهبر نظام سیاسی مشروع علیرغم عصمت از گناه و خطا با انتقادات و حتی اهانت‌ها برخوردی کریمانه داشتند و از بروز آن جلوگیری نمی‌نمایند. آیات متعددی بر این امر گواهی می‌دهد. یکی از این آیات آیه ۶۱ توبه است که حتی فراتر از نقد از مواجهه کریمانه و اخلاق رحیمانه پیامبر و گذر از اهانت‌ها و بدرفتاری‌ها حکایت دارد و گوشه‌ای از سعه صدر و نگاه و رفتار باز رسول اکرم را بازگو می‌کند: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» در درجه نخست طبق این آیه پیامبر

چنان به دیدگاه‌ها و انیشه‌های متفاوت توجه داشت که برخی نابخردان و هتاکان ایشان را با لفظ تمسخر آمیز اذن به معنای گوش که هر سخنی را می‌شنود و رفتاری ساده لوحانه دارد معرفی می‌کردند و به آزار ایشان می‌پرداختند.

در درجه دوم این آیه درباره جمعی از منافقین نازل شد که پیغمبر (ص) را می‌آزردند و حرف‌های ناشایست می‌زدند که البته به پیامبر نیز می‌رسید. بعضی‌شان گفتند این کار را نکنید بیم آن هست که سخنان شما به او برسد و مجازاتمان کند. در آن میان جلاس بن سوید گفت: هر چه دلمان خواست می‌گوییم و سپس نزد او رفته عذر خواهی می‌کنیم، می‌پذیرد، که محمد گوش‌ی است شنوا. و آیه به این موضوع اشاره دارد (ترجمه اسباب نزول، ص: ۱۳۱، اسباب نزول القرآن (الواحدی)، ص: ۲۵۴) برخی نیز شأن نزول را پذیرش اعتدال قاعدین از جهاد دانسته‌اند (ر.ک؛ طیب، ۱۴۰۲، ج ۶: ۲۵۱).

بر این اساس از دیدگاه قرآن اگر چه تبعیت از رهبر الهی ارجح و برتر است اما انتقاد و حتی اعتراض نسبت به رهبران سیاسی و مدبران امور در هر سطحی امکان‌پذیر، و پذیرفته شده است و منعی در آن راه ندارد. از سوی دیگر الگویی که قرآن از کنش سیاسی حاکمان و رهبران سیاسی ارائه می‌دهد کنش سیاسی مشارکت طلبانه همراه با شرح صدر و صبر سیاسی است.

نمونه دیگری از نقد نسبت به حاکمان سیاسی در قرآن مواجهه رهبر مورچگان با سلیمان نبی است: «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل: ۱۸) مورچه با انتقاد از لشکرکشی‌های حضرت سلیمان (ع) می‌کوشد تا رفتار وی را مورد ارزیابی قرار دهد و آثار زیست‌محیطی آن را بنمایاند. حضرت با تبسم خویش (فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا) انتقاد را می‌پذیرد و فرمان می‌دهد که لشکرکشی‌ها به گونه‌ای طراحی شود که آسیبی به محیط زیست وارد نسازد.

در همین جهت می‌باید از مبحث نصیحت رهبران جامعه اسلامی که تحت عنوان «النصیحة لأئمة المسلمین» مشهور است نام برد که مبتنی بر روایتی نبوی است که می‌فرماید: ثلاث لا یغلّ علیهن قلب امرء مسلم - اخلاص العمل لله و النصیحة لأئمة المسلمین و اللزوم

لجماعتهم (الخصال: ۱۸۲/۱۴۹؛ الکافی، چاپ اسلامی، جلد ۱: ۴۰۴) گرچه دو رویکرد در این جا وجود دارد که رویکرد نخست هم در قدیم (مرآة العقول، ج ۴: ۳۲۴، بحارالانوار، ج ۲: ۱۴۹، وافی، ج ۵: ۵۳۶) متأثر از برخی آرای اهل سنت و هم معاصر وجود داشته و آن را به معنای اطاعت و مختص معصومان دانسته و در صورت الغای خصوصیت هم چنان اطاعت را اصل و نقد را خارج از معنای نصیحت و به معنای خلوص محبت و اطاعت می‌شناسد (ر.ک؛ خوش نظر، ۱۳۷۹: ۲۷).

رویکرد دیگر نصیحت را خیرخواهی و امری عام که نقد سالم نیز در آن مندرج است و برای تمام رهبران سیاسی به منظور مشارکت سیاسی است می‌داند (ر.ک؛ شیرخانی، ۱۳۹۷ ش؛ ایرنیرگر، ۱۳۷۵؛ سروش محلاتی، ۱۳۷۵؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۴=۲۰۰۵). پژوهش حاضر با نفی اختصاص به معصوم معتقد است گرچه معنای روایت را می‌توان عام گرفت ولی لسان آن با دیگر آیات و روایات نصیحت تا حدودی متفاوت به نظر می‌رسد و معنای حمایت و خیرخواهی در آن برجسته است. از این رو اگرچه نصیحت را مساوی نقد نمی‌انگارد اما آن را مفهومی اعم که در برگیرنده صنفی از نقد که انتقاد سالم با انگیزه خیرخواهی صرف و فارغ از انگیزه قدرت و رقابت و عیب‌جویی است به همراه مفاهیم دیگری چون حمایت و اطاعت و ارایه پیشنهاد و مشورت دادن جهت تصحیح خطا می‌شناسد. چنان که برخی تفاسیر نیز بر این نظرند (ر.ک؛ وهبه زحیلی، ج ۱۰، ص: ۳۵۰).

زیرا به نظر می‌رسد که در قرآن نیز چنین معنای عامی در اکثر موارد وجود دارد. قرآن پیامبران را ناصح می‌خواند و بدیهی است که پیامبران به جهت خیرخواهی از بسیاری رفتار مردمان انتقاد می‌کردند و به راه حق فرا می‌خواندند. در نهج البلاغه نیز استعمال ماده نصیحت در موارد بسیاری چنین است (نهج البلاغه، نامه ۲۸ نامه ۷۳ خطبه ۳۴). برخی علمای معاصر نیز در پاسخ به پرسش منظور از «النصیحة لائمة المسلمين» چیست تصریح به معنای نقد سالم درباره مفهوم النصیحة لائمة المسلمين کرده‌اند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۰۵/۰۳/۱۳۹۴).

التفسیر المنیر نیز روایتی بدین مضمون از پیامبر نقل می‌کند: «إن الدین النصیحة». قالوا:

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۴۱

لَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: اللَّهُ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَأْتُمُّهُ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». سپس معنای نصیحت امامان مسلمین را ارشاد هنگام خطا و عدم خروج بر آنان معنا می‌کند (ر.ک؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰: ۳۵۰). تفسیر واضح، روشنگری در مواقع لغزش، ارشاد به میانه روی و انکار ملایم آنان هنگام مخالفت با دین را می‌افزاید (ر.ک؛ التفسیر الواضح، ج ۱: ۹۲۰).

آیه و مفهوم دیگری که بر آزادی نقد در حکومت دینی و مشروع دلالت دارد آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷) است. این آیه که خطاب به پیامبر است مبشر مؤمنان عاقلی است که در میان سخنان مختلف برترین و هدایت‌یافته‌ترین سخنان را می‌پذیرند «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا لِأَلْبَابِ»

کلمات امیرالمؤمنین در نهج البلاغه نیز تأکیدی بر این سیره الهی انسانی است: «فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ، وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يُتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ، وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ، وَلَا تَطْنُوا بِي اسْتِقْلَالًا فِي حَقِّ قِيلَ لِي، وَلَا أَلِ تَمَاسَ إِعْظَامِ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنْ اسْتَقْلَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ. فَلَا تَكْفُؤُوا عَنْ مَقَالَةِ بِحَقٍّ، أَوْ مَشُورَةَ بَعْدَلٍ» (نهج البلاغه، خ ۲۱۶).

۳-۴. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی انتخاب‌گرانه

یکی از اقسام مهم مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع، کنش سیاسی انتخاب‌گرانه است. بدین معنا که در هیچ جای قرآن، رهبران الهی سیاسی که پیامبران و یا اوصیای آنان باشند با تغلب، ستم و زور بر مردم جامعه خویش رهبری و حکومت نکرده‌اند. نبی حاکمانی چون یوسف، داود، سلیمان، ابراهیم و پیامبر اسلام با آن که برانگیخته و منصوب از سوی خداوند بوده‌اند بر جامعه سیاسی و ظرف ژئوپلیتیک زمان خود با قدرت زور حاکمیت نیافته‌اند. بلکه حکومت آنان آمیخته با پذیرش و رضایت مردمی بوده است. بر عکس آن از دیدگاه قرآن یکی از مشخصه‌های طواغیت و ظالمان، عدم رضایت و پذیرش حکومت شوندگان آنان بوده است. حکومت فرعون نمونه‌ای از آن است.

نمونه آن آیه ۴۹ بقره است: «وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ». در این آیه ظلم

بسیار فرعون نسبت به بنی اسرائیل و رنج و عذابشان که موجب نفرت و ابتلاء آنان و آرزوی رهایی از ظلم او بود به بنی اسرائیل یاد آوری می‌شود. موسی با رهانیدن بنی اسرائیل از ظلم فرعون به خودی خود مورد پذیرش و انتخاب قهری آنان برای رهبری سیاسی نیز قرار گرفت. اگر چه او از سوی خدا برای رهبری سیاسی مصریان نیز برانگیخته شده بود اما تحركات سیاسی او مانند خروج از مصر زمانی است که مقبول مردمان واقع شده بود. یا آیه ۸۳ یونس از تغلب و خوف انگیزی نظام سیاسی فرعون حکایت دارد: «فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ». برخی آیات دیگر قرآن نیز بر این امر دلالت دارد (قصص: ۸؛ قصص: ۴؛ ابراهیم: ۶).

از دیدگاه قرآن ریشه مشارکت‌گریزی و مشارکت‌ستیزی و استبداد طغیان‌گری است. از این رو انسان و نظام سیاسی طغیان‌گر روی از مشارکت‌پذیری بر می‌تابد و استبداد می‌ورزد. در قرآن آیات متعددی بر این معنا دلالت دارد به طوری که ۳۹ آیه از ریشه طغیان وجود دارد که در آن‌ها طغیان به اشخاص (ر.ک؛ طه: ۲۴؛ طه: ۴۳) و اقوام (شمس: ۱۱؛ نجم: ۵۲؛ ذاریات: ۵۳) و ذات بشر (علق: ۶) نسبت داده می‌شود و طغیان‌گری یکی از عوامل انحصار طلبی و استبدادشمرده می‌شود.

بر این اساس پذیرش و رضایت عمومی و مردمی از ثبوتات مشارکت سیاسی در حکومت دینی و شکل و چگونگی آن که در بستر زمان جاری می‌شود از متغیرات است. انتخاب رهبران سیاسی کلان نظام سیاسی در عصر معصومان بنا بر نصوص متعدد از شوون مردم شمرده نمی‌شود و جزو امرالله است از این رو انتخاب از سوی خداست و مردم در آن نقشی ندارند. اما در عصر غیبت که نص و نصب مستقیمی وجود ندارد عموم آیه «و أمرهم شوری بینهم» (شوری/۳۹) دلالت بر انتخاب مصادیق رهبران سیاسی و بروز کنش سیاسی انتخاب‌گراانه ذیل شرایط عمومی می‌تواند داشته باشد.

بر این پایه نسبت به مشارکت مردم در گزینش رهبران خاصه جایی که نص خاصی وجود ندارد به ویژه در عصر غیبت تاکید شده است مطهری میان زمان حضور امام و عدم حضور امام تفکیک قائل شده است و معتقد است که امر حکومت در زمان حضور امام به

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۴۳

صورت شورایی معنا ندارد اما در زمان عدم حضور امام کسی بحثی ندارد (مطهری، ج ۴: ۷۷۲) امام خمینی (ره) نیز در بعضی از اظهار نظرهای فقهی، تولی امور مسلمین را مبتنی بر اکثریت دانسته‌اند. ایشان در پاسخ به سؤالی که می‌پرسد در چه صورت فقیه جامع‌الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد می‌گوید ولایت در جمیع صور دارد ولی تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت اسلامی بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام از آن تعبیر شده به بیعت با ولی مسلمین (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰: ۴۵۹). آیت‌الله خامنه‌ای نیز نزدیک به این دیدگاهند (ر.ک؛ خرمشاد و پرویز امینی: ۱۳۹۷). ایشان علاوه بر تأکیدات مکرر بر جایگاه و نقش مردم و رأی آنان در نظام، جمهوری اسلامی را یک حقیقت واحد و نه ترکیب انضمامی دانسته و اعتبار اراده، رای و انتخاب مردم را تکلیف شرعی قلمداد می‌کند (ر.ک؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۲۳: ۲۳).

۴-۴. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی تصمیم‌سازانه

فارغ از بحث کنش انتخاب‌گرانه یکی دیگر از مهم‌ترین وجوه مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز ذیل نظام سیاسی مشروع مشارکت معطوف به کنش سیاسی تصمیم‌سازانه است. این کنش را می‌توان از اطلاق آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به همراه آیه پیشین استفاده نمود: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» در باره مشورت و عمل بدان سه دیدگاه در تفاسیر معاصر شیعه قابل رصد است. برخی مشورت و عمل به نتیجه اش را غیر لازم و واجب و یک حق محسوب می‌دارند. برخی آن را حتی بر پیامبر واجب می‌شمرند. و پاره‌ای برآنند که مشورت واجب است اما عمل به نتیجه آن واجب و لازم نیست. این تقسیم‌بندی در برخی تفاسیر نیز دیده می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲: ۳۶۵).

از دیدگاه تحقیق با وجود موانع سخت و نظر اکثر مفسرین که مشورت بر پیامبر را غیر الزامی دانسته‌اند می‌توان از الزامی بودن عمل به نتیجه قاطعی که از مشورت حاصل

می‌شود توسط پیامبر در امور غیر وحیانی و الهی سخن گفت. حتی اگر معصوم دارای علم بی‌نهایت و در همه لحظات قابل دسترس بدانیم از آن جا که مأمور به ظاهر و همراهی با مردم بوده‌اند این مسأله قابل پذیرش است. چنان که برخی تفاسیر نیز بر این نظرند و امر غریبی نیست. اما اگر در مورد پیامبر محل اشکال قلمداد شود در مورد حاکم اسلامی غیر معصوم حتمی است.

الف. بسیاری از تفاسیر هم مشورت و هم عمل به نتیجه مشورت را که عادتاً منطبق بر رای اکثریت است را برای پیامبر غیر واجب بلکه امری نیکو شمرده‌اند. بخش قابل ملاحظه‌ای از این تفاسیر آن را به دوران غیر معصوم نیز تسری داده‌اند. این تفاسیر پیامبر را بی‌نیاز از مشورت دانسته و مشورت پیامبر را به جهات دیگری قلمداد می‌کنند. استمالت قلوب مردم و اصلاح آن‌ها، تشویق مردم، تمیز منافق از مؤمن، دوست از دشمن و عالم از جاهل از جمله دلایل مشورت رسول گفته شده است. نه این که آنان دارای رأی سدید و علم متقن هستند (ر.ک؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۳۶۲، طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۱۰-۴۰۹) برخی تفاسیر دیگر (سبزواری نجفی ۱۴۱۹ق. : ۷۶، ۹۴، حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۳: ۲۴۴، صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۶۱، ۹۳. حسینی شیرازی ۱۴۲۴، ج ۱: ۴۱۱) نیز بر همین رأیند. برخی از صاحب نظران بر آنند که شاورهم فی الامر دستوری است همانند «اعف عنهم» و «استغفر لهم» یعنی امر به شاورهم مانند امر به عفو و استغفار برای حفظ مصالح اجتماعی است. از این منظر «فاذا عزم فتوکل علی الله» دلالت بر این دارد که پس از مشاوره، پیامبر (ص) ملزم نیست که رأی اکثریت مردم را بپذیرد. عزم او تابع رأی اکثریت شورا نیست. پس رأی رهبر مطاع و متبع است نه رأی اکثریت افراد شورا. از این منظر این آیه حتی وجوب مشاوره با مردم را هم نمی‌رساند. زیرا همان گونه که عفو و استغفار به عنوان کار اخلاقی توصیه شده است مشاوره نیز اخلاقاً کار خوبی است (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۶۱).

ب. پاره‌ای از تفاسیر در رابطه رسول گرامی اسلام ظاهراً بر آنند که مشورت پیامبر با امت امری لازم است اما تصمیم‌گیری با ایشان است. این گروه عبارت فاذا عزم فتوکل علی

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۴۵

الله را دال بر اختیار تصمیم‌نهایی می‌شمرند. این تفاسیر علی‌الظاهر این رویکرد را به دوره غیبت نیز تسری می‌دهند. تفسیر تسنیم، یکی از تفاسیری است که به نظر می‌رسد بر این رای است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۱۳۴). البته تسنیم نسبت به دوره غیبت معصوم قائل به تفصیل است. مفاهیم القرآن (مفاهیم القرآن، ج ۲، ص ۲۳۰-۲۲۹)، و من وحی القرآن (ر.ک؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۳۴۷-۳۴۴) نیز معتقداند که مشورت واجب است اما عمل بر طبق نظر شورا بدون اقتناع و قبول لازم نیست.

دسته‌ای از تفاسیر و مفسران آیه، بر آنند که هم اصل مشورت و هم تقید به نتیجه مشورت که طبیعتاً مبتنی بر رای اکثریت است بر پیامبر لازم است. از این رو به طریق اولی بر حاکمان غیر معصوم نیز لازم است. پرتوی از قرآن (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۹۸)، تفسیر روشن (ر.ک؛ مصطفوی، ج ۵: ۱۱۶. ۱۱۷) بر این نظرند. بر این اساس دیدگاه تحقیق بیشتر متناسب با نظر سوم حداقل درباره غیر معصوم است. نیز سیره مستمره پیامبر و بیانات ایشان درباره‌ی لزوم مشورت مدلول آیه را مدد می‌رساند. در هر حال از دو گونه نظر پیرامون مشروعیت شورا در عصر غیبت می‌توان سخن گفت. دیدگاهی که شورا را مصدر مشروعیت حاکم در عصر غیبت نمی‌داند و در اداره امور نیز شورا را نهاد مشورتی و نه تصمیم‌گیر می‌انگارد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۸۹، مهدوی کنی. ۱۳۸۰: ۱۴. موسوی خلخالی. ۱۳۸۰: ۶۶۰. مصباح یزدی. ۱۳۷۹: ۹۱).

اما رویکرد دیگری شورا را در انتخاب حاکم در عصر غیبت مدخلیت داده و در تصمیم‌گیری پس از حکومت نیز آن را مصدر تصمیم‌گیری می‌شناسد (ر.ک؛ شمس‌الدین، ۱۴۱۴ق: ۱۰۷؛ شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵؛ آصفی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۰۹؛ منتظری، ۱۴۰۸ق. ج ۲: ۲۸۹؛ نائینی ۱۳۵۸: ۱۲۵؛ ارسطو، ۱۳۷۸: ۳۸؛ علوم سیاسی، سال اول. ش ۴: ۳۸).

به نظر می‌رسد در صورت وجود نص بر فردی چون امامان معصوم طبیعتاً دیگر جایی برای نقش‌آفرینی شورا در تعیین رهبر نمی‌ماند. اما در شورای پس از رهبری می‌توان از نقش تصمیم‌ساز شورا در موارد عرفی (جز جایی که دستوری از خدا و رسول باشد) حتی

در زمان معصوم و نیز پس از آن سخن گفت. اما در عصر غیبت معصوم شورا می‌تواند نقش تصمیم ساز در انتخاب رهبری و شکل‌گیری حکومت نیز داشته باشد. البته ترکیب شورا در تصمیم‌گیری مسائل تخصصی می‌بایستی متناسب با تخصص و برخوردار از دیدگاه‌های متفاوت تخصصی باشد.

۴-۵. مشارکت سیاسی مثبت معطوف به کنش سیاسی تشکل‌گرایانه

مشارکت معطوف به کنش سیاسی تشکل‌گرایانه از دیگر اشکال مسالمت‌آمیز است. تبیین حزب از لابلای آیات قرآن دارای سه رویکرد می‌تواند باشد. برخی حزب را از برخی واژه‌های دینی مانند حزب، فئه و... استنباط کرده‌اند. برخی به کارواژه‌های مثبت حزب توجه کرده و مبانی دینی آن نظیر حسبه و امر به معروف و نهی از منکر و سبقت در خیرات را مورد نظر قرار داده‌اند. پاره‌ای نیز به کشف و تبیین بسترهای نظری حزب پرداخته‌اند. رویکرد سوم بیشتر مقرون به صواب به نظر می‌رسد.

در قرآن کریم ۹ بار واژه حزب و مشتقاتش به کار رفته است (مانده: ۵۶؛ المؤمنون ۵۳؛ الروم: ۳۲؛ مجادله: ۱۹؛ مجادله: ۲۲؛ فاطر: ۶؛ کهف: ۱۲). در قرآن حزب به معنای امروزی آن طبعاً نمی‌توانسته مورد توجه باشد. اما کاملاً این کلمه در قرآن بار سیاسی جدی دارد. در قرآن از دو حزب حزب‌الله و حزب الشطان در مقابل هم یاد شده است که اولی ستوده و تأیید و دومی نکوهش و رد گردیده است. بر این پایه گرچه مفهوم امروزی حزب را در بر ندارد اما می‌توان گفت نزدیک به مفهوم جناح و گفتمان سیاسی امروز است. بر این پایه و با تجمیع هر سه رویکرد پیش گفته می‌توان ظرفیت سنجی نمود و امکان و روابی شکل‌گیری حزب و تشکل سیاسی را با زدودن اشکالات آن استنباط کرد. ضمن آن که اشکال نوین حکومت داری چنان چه غایات و وسایل آن مشروع و مقبول باشد از دیدگاه قرآنی بی‌اشکال است.

البته فئه نیز به نحوی می‌تواند مرتبط با حزب باشد. بر این اساس به هر حال در قرآن شاهد ترسیم گروه‌بندی‌های مختلف هستیم. به نظر می‌رسد از دیدگاه قرآن حزب به معنا و با نتیجه تفرق خصومت‌آمیز در جبهه حق و ایمان مذموم باشد. اما تفرق به منظور تسابق

و مسابقه دادن در اداره بهتر و قوی‌تر جامعه امری نا مطلوب تلقی نمی‌گردد. چنین مضمونی را می‌توان از آیه ۱۴۸ بقره: «وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّبُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ» (بقره: ۱۴۸) برداشت نمود.

در پایان ذکر این نکته لازم است که از نظر قرآن و منابع تفسیری و کلامی مشارکت منفی و غیر مسالمت آمیز و براندازانه و بر رژیم در نظام سیاسی مشروع ناروا و غیر مقبول تلقی شده و نفی می‌گردد و تحت عناوینی شماتت گردیده و احکامی نیز بر آن مترتب می‌گردد. برخلاف مشارکت سیاسی منفی/معارضه جویانه ذیل نظام سیاسی نامشروع که از نظر قرآن مطلوب است. در قرآن قیام علیه نظام مشروع و حق با عناوینی مانند بغی، محاربه و شق عصای مسلمین رمی گردیده و عدم مطلوبیت آن اعلام می‌گردد.

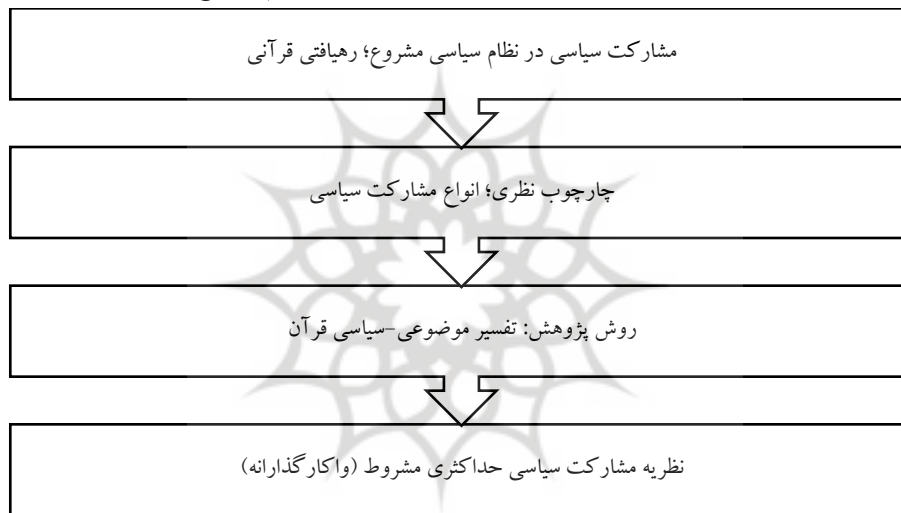
بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی از اساسی‌ترین موضوعات سیاسی است که ضرورت بررسی و خوانش قرآنی آن وجود دارد. بررسی مشارکت سیاسی در متون دینی به ویژه در قرآن کریم مستلزم توجه به چند نکته است. نکته نخست توجه به این مسأله ظریف است که نمی‌توان مفاهیم امروزی همانند مشارکت سیاسی را که در فضای معاصرت مطرح است به طور تمام و کمال از مفاهیم و اصطلاحات دیروزین برداشت کرده و در صدد آن باشیم که تمامی حالات و احکام آن را بر امروز تحمیل نماییم و یا حالات و احکام امروز را بر مفاهیم مندرج در قرآن تحمیل کنیم.

تحقیق از یک سو الگوهای حمایتی، انتقادی-اصلاحی، رقابتی-انتخابی را در نگرش قرآنی واکاویده و ابعاد مختلف مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع در قرآن را بر تکیه بر منابع تفسیر موضوعی نشان داده است. از سوی دیگر پژوهش بر اساس روش تفسیر موضوعی که گردآوری مبتنی بر تئوری و جامع و اجتهادی در موضوع و مساله خاصی است به نظریه‌ای نظر دارد که آن را نظریه مشارکت سیاسی حداکثری مشروع یا مشارکت سیاسی واکارگذارانه نام می‌گذارد. این نظریه مردم را صاحب حق سیاسی می‌داند اما بر خلاف نظریه انتخاب، فقها را نیز به طور عام و بالقوه منصوب می‌شمارد ولی

خروج از قوه به فعل قدرت سیاسی آنان بر اساس پذیرش، نفوذ و انتخاب و در یک کلام مشارکت سیاسی مردم صورت می‌گیرد و از آن جا که مردم انتخاب‌گر فقیه حاکمند امکان حضور و نقش آفرینی در انواع و اقسام مشارکت سیاسی را دارند. این نظریه از دیدگاه پژوهش می‌تواند بهترین و برترین ترجمان از مردم سالاری دینی نیز باشد. اما اگر این نظر را هم نپذیریم آیات و نصوص و شبکه مفهومی آنان دلالت بر گشوده بودن مسیر حداکثری مشارکت سیاسی ذیل رهبری فقیه هستیم.

نمودار ۳. مراحل دستیابی به نظریه مشارکت سیاسی ذیل نظام مشروع در قرآن



نظریه مشارکت سیاسی حداکثری مشروط/واکارگذارانه که مشارکت را به مثابه رقابت می‌داند مبتنی بر رویکرد مشارکت/رقابت در رژیم در مقابل رویکرد مشارکت-رقابت بر رژیم و برای رژیم است که رویکردی معتدل و متناسب با نگاه قرآنی به نظام و حکومت حق به شمار می‌آید و معدل دین‌مداری و مردم سالاری و ترجمانی از مردم سالاری دینی است. همچنین برآمده از مبانی قرآنی مهمی چون توجه حداکثری به کرامت انسان، خلافت انسان از خداوند، جامعیت اعتدالی دین و قرآن، رابطه اندماجی دین و سیاست، امکان تکثر سیاسی دینی، امکان آزادی سیاسی دینی است.

بر این اساس سطوح مشارکت سیاسی به اعتبار نظام سیاسی را می‌توان در دو زیر

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۴۹

شاخه نظام سیاسی مشروع و نظام سیاسی نا مشروع صورت‌بندی نمود که دو قسم مثبت و منفی دارد. مشارکت معطوف به کنش سیاسی حمایت‌گرا، پرسش‌گرا، منتقدانه و معترضانه، مشارکت معطوف به کنش سیاسی انتخاب‌گرا، مشارکت معطوف به کنش سیاسی تصمیم‌سازانه، و مشارکت معطوف به کنش سیاسی تشکل‌گرایانه و مشارکت سیاسی منفی / معارضه‌جویانه ذیل نظام سیاسی مشروع از اقسام مثبت و منفی مشارکت سیاسی ذیل نظام سیاسی مشروع است. که هر کدام مبتنی بر دلایل و شواهدی در قرآن است که نوع منفی آن از دیدگاه قرآن مردود است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Aghajani



<http://orcid.org/0000-0002-0328-2993>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

اسلام مجدی نسب، محمد. (۱۳۹۴). مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی. تهران: جامعه‌شناسان.
امام خمینی. (۱۳۶۹). صحیفه نور. جلد ۲۰. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
ایزدهی، سیدسجاد. (۱۳۹۶). مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

ایرنبرگر، هارالد. (۱۳۷۵). نصیحت از دیدگاه اسلام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. مرکز چاپ و نشر.

آب نیکی، حسن. (۱۳۹۰). «جهانی شدن و چالش مشاقت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست نظری. دوره جدید. شماره دهم. پایین و زمستان.

۱۰۹-۱۳۱؟

آذری قمی، احمد. (۱۳۷۱). ولایت فقیه از دیدگاه قرآن. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
آصفی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). مبانی نظری حکومت اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

آقاجانی، علی. (۱۳۹۶). «تأملی در صورت‌بندی دلالت‌های سیاسی آیه «اولوالامر» با تأکید بر تفاسیر معاصر شیعه. فصلنامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی. (۲)۲۲، ۸۳-۱۰۴؟

آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۲۹ق). غررالحکم و درر الکلم. تحقیق: سید مهدی الرجائی. قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.

بلاغی نجفی، محمد جواد. (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
پای، لوسین. (۱۳۷۰). «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی». ترجمه مجید محمدی. نامه فرهنگ.

شماره ۵ و ۶. سال دوم. نامه فرهنگ پاییز و زمستان. ۳۷-۴۷.

جلیلی، سید هدایت. (۱۳۷۲). روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن. تهران: انتشارات کویر.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم. تحقیق عبدالکریم عابدینی. ج ۱۶. چاپ اول. قم: اسراء.

_____ . (۱۳۹۵). ولایت فقیه. ولایت فقاها و عدالت. قم: اسراء.

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۵۱

- حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). *التفسیر الواضح*. چاپ دهم. بیروت: دار العیال الجدید.
- حرانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). *تحف العقول*. تصحیح الغفاری. قم: النشر الاسلامی لجامعه المدرسین.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۴ق). *تقریب القرآن الی الازهان*. بیروت: دارالعلوم.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی.
- حسینی حائری، سید کاظم. (۱۳۹۹ق). *أساس الحکومه الإسلامیه*. بیروت - لبنان: مطبعه النیل.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۳۷۱). *الدوله الإسلامیه*. قم: انصار حسین (ع).
- خرمشاد، محمدباقر و پرویز امینی. (۱۳۹۷). «مسئله مشروعیت در نظریه مردم سالاری دینی آیت الله خامنه ای». *دولت پژوهی*. سال چهارم. پاییز شماره ۱۵. ۱۰۷-۱۳۵.
- خلوصی، محمدحسین. (۱۳۹۵). *شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی*. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- خوش نظر، محمد. (۱۳۷۹). «فرهنگ نصیحت (۳) - کیفیت عمل به «النصیحه لائمۃ المسلمین» در عصر غیبت». *فرهنگ کوثر*. شماره ۴۴. ۲۰-۲۹.
- راش، مایکل. (۱۳۸۳). *جامعه و سیاست*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- رحمانی، ناصر علی. (۱۳۹۴). *راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی*. قم: نشر المصطفی.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. ج دوم. بیروت دمشق: دار الفکر المعاصر.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۷ق). *مفاهیم القرآن*. چاپ اول. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبزواری نجفی، محمد. (۱۴۱۹ق). *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالتعارف.
- سروش محلاتی. محمد. (۱۳۷۵). «نصیحت ائمه مسلمین (۱)». *مجله حکومت اسلامی*. شماره ۱. ۱۳۵-۱۸۹.
- سیدباقری، سید کاظم. (۱۳۹۷). «حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم». *پژوهشهای سیاست اسلامی*. سال ششم. شماره چهاردهم. پاییز و زمستان. صفحه ۴۱-۶۵.
- شمس الدین، محمد مهدی. (۱۴۱۴ق). *فی الاجتماع السیاسی الإسلامی؛ المجتمع السیاسی الإسلامی* محاوله تاصیل فقهی و تاریخ. قم: دارالثقافه.
- شیرخانی، علی. (۱۳۹۷). «نصیحت در فقه سیاسی شیعه». *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی*.

۱۵۲ | فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی | سال چهاردهم | شماره ۵۴ | پاییز ۱۴۰۲

دوره ۲۱. شماره ۸۳ زمستان. صفحه ۸۳-۱۰۶.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن با القرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی. صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۸۰). *ولایت فقیه حکومت صالحان*. قم: امید فردا. صدر. سید محمد باقر. (۱۳۹۹ق). *المدرسه القرآنیه*. نجف: بی‌نا. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. در یک جلد. ج اول. قم: دارالثقافه. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام. عبدالستار، فتح‌الله. (۱۴۱۸ق). *المدخل فی التفسیر الموضوعی*. چاپ سوم. قاهره: دارالتوزیع. نشر الاسلامیه.

علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *مشارکت سیاسی*. تهران: سفیر.

فضل‌الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک.

فیرحی، داود. (۱۳۷۷). «مفهوم مشارکت سیاسی». *فصلنامه علوم سیاسی*. سال اول. شماره اول تابستان. ۳۶-۷۰.

قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

کاشف‌الغطاء، عباس. (۱۳۸۴=۲۰۰۵). *الدین النصیحه*. نجف: دارالعلوم.

کرمی حویزی، محمد. (۱۴۰۲ق). *التفسیر لکتاب الله المنیر*. قم: علمیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). *الکافی*. ج اول. قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.

مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا). *بحار الأنوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث.

مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محیی‌الحسین.

مرویان، محمود. (۱۳۸۷). «روش‌شناسی تفسیر موضوعی از منظر آیت‌الله معرفت». در معرفت

قرآنی: یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت (رحمه‌الله علیه). زیر نظر گروه قرآن پژوهی

پژوهشگاه به کوشش: نصیری. علی؛ چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۹). *نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه*. محمد مهدی نادری قمی. قم:

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۵۳

- مصفا، نسرین. (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*. تهران: وزارت امور خارجه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *پیام قرآن*. چاپ نهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسین علی. (۱۴۰۸ق). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*. قم: مرکز العالمی للداراسات الاسلامیه و دارالفکر.
- موسوی خلیخالی، محمد مهدی. (۱۳۸۰). *حاکمیت در اسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۵۸). *تنبییه الامه و تنزیه المله*. یا حکومت از نظر اسلام. به ضمیمه مقدمه و پا صفحه و توضیحات. به قلم محمود طالقانی: تهران: بی‌نا.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. چ هفتم. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.

References

- Reynolds, H.T.(1979), *Politics and comon man, An Introduction political Behavior* , the Doesey press, USA, P180
- Dor ,gal,Hofnung,Menachem(2004)."litigation as political participation", *lsrael studies*, volume 11,Number2

References [In Arabic & Persian]

- The Holy Quran.
- Nahj al-Balagha.
- Abdul Sattar, Fathullah. (1997). *Al-Madkhal in Al-Tafsir al-Uma'i*. Third edition. Cairo: Dar al-Tawzai. Nash al-Islamiya. [In Arabic]
- Alikhani, Ali Akbar. (1998). *Political participation*. Tehran: Safir. [In Persian]
- Abniki, Hassan. (2011). *"Globalization and the Challenge of Political Struggle in the Islamic Republic of Iran"*. Two quarterly scientific journals of theoretical policy research. new course. number ten. autumn and winter. 109-131? [In Persian]
- Azari Qomi, Ahmed. (1992). *Wilayat al-Faqih from the perspective of the Qur'an*. Qom: Darul Elm Press Institute. [In Arabic]
- Asefi, Mohammad Mahdi. (2006). *Theoretical foundations of Islamic government*. Tehran: World Assembly of Islamic Religions. [In Persian]
- Aghajani, Ali. (2016). "A reflection on the formulation of the political implications of the verse "Awal al-Amr" with an emphasis on contemporary Shia interpretations. *Scientific-Research Quarterly of*

- Islamic Government*. 22(2), 83-104.? [In Persian]
- Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad. (2008). *Gharral al-Hakm and Darr al-Kalam. Researcher: Seyyed Mehdi Al-Rajai*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami Foundation. [In Persian]
- Balaghi Najafi, Mohammad Javad. (1999). *Al-Rahman in Tafsir al-Qur'an*. Qom: Be'sat Foundation. [In Persian]
- Ehrenberger, Harald. (1996). *Advice from the point of view of Islam*. Tehran: Islamic Propaganda Organization. Publishing center. [In Persian]
- Fazlullah, Seyyed Mohammad Hossein. (1998). *Men Vahye al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Mulak. [In Arabic]
- Firhi, Davud. (1998). "The concept of political participation". *Political Science Quarterly*. first year. The first issue of the summer. 1998: 36-70. [In Persian]
- Hijazi, Mohammad Mahmoud. (1992). *Al-Tafsir al-Sharif*. to print Beirut: Dar Jail Al-Jadid. [In Arabic]
- Harrani, Ibn Shuba. (1984). *Gift of wisdom. Corrected by al-Ghafari*. Qom: Al-Anshar al-Islami for Jamia Al-Madrasin. [In Persian]
- Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad. (2003). *The approximation of the Qur'an to the mind*. Beirut: Darul Uloom. [In Arabic]
- Hosseini Hamedani, Seyyed Mohammad Hossein. (1983). *Bright Lights*. Tehran: Lotfi bookstore. [In Persian]
- Hosseini Haeri, Seyyed Kazem. (2019). *The basis of the Islamic government*. Beirut - Lebanon: Al-Nil Press. [In Arabic]
- Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad. (1992). *Al-Dawlah al-Islamiyyah*. Qom: Ansar Hossein (AS). [In Arabic]
- Islam Magdi Nasab, Mohammad. (2014). *How and why political participation*. Tehran: Jame'eshehasan. [In Persian]
- Imam Khomeini (1990). *Noor newspaper* Volume 20. Tehran: Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution. [In Persian]
- Izadehi, Seyyedsajad. (2016). *Political participation in Shia political jurisprudence*. Tehran: Farhang and Andisheh Research Institute Publications. [In Persian]
- Jalili, Seyed Hedayat. (1993). *Methodology of thematic interpretations of the Qur'an*. Tehran: Kavir Publications. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah. (2009). *Interpretation of Tasnim*. Abdul Karim Abedini's research. C16. First Edition. Qom: Israa. [In Persian]
- _____. (2015). *Faqih*. Jurisprudence and justice. Qom: Israa. [In Persian]
- Khorramshad, Mohammad Bagher and Parviz Amini. (2018). "The issue of legitimacy in Ayatollah Khamenei's theory of religious democracy". *Government studies*. forth year. Autumn number 15. 107-135. [In Persian]

- Kholusi, Mohammad Hossein. (2015). *Index of political participation in the model of Islamic progress*. Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute. [In Persian]
- Khoshnazar, Mohammad. (2000). "The culture of advice (3) - the quality of acting on the advice of the Muslims in the age of backsliding". *Farhang Kosar*. No. 44. 20-29. [In Persian]
- Kashif al-Ghata, Abbas. (2005). *Al-Din al-Nasiha*. Najaf: Darul Uloom. [In Persian]
- Karami Hoveizi, Mohammad. (1981). *Al-Tafseer Lektab Allah Al-Munir*. Qom: Elmiah. [In Persian]
- Kalini, Mohammad bin Yaqoob. (2008). *Al-Kafi*. what first Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing. [In Persian]
- Majlesi, Mohammad Bagher. (N.D.). *Bihar Anwar*. Beirut: Dar al-Ahaya al-Tarath. [In Arabic]
- Modaresi, Seyyed Mohammad Taghi. (1998). *I am the guide of the Qur'an*. Tehran: Dar Mohibi Al-Hussein. [In Persian]
- Marvian, Mahmoud. (2008). "Methodology of topic interpretation from the perspective of Ayatollah Marafet". In Qur'anic knowledge: Ayatollah Mohammad Hadi's memorial (may Allah have mercy on him). Under the supervision of the Qur'an research group of the research institute: Nasiri. Ali; First Edition. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. [In Persian]
- Masbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2000). *A brief look at the theory of religious authority*. Mohammad Nadri Qomi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Mustafavi, Hassan. (1981). *Researching the words of the Holy Qur'an*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Musafa, Nasreen. (1996). *Political participation of women in Iran*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Motahari, Morteza. (1988). *A collection of works by master Shahid Motahari*. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser. (2007). *The message of the Quran*. Ninth edition. Tehran: Dar Ketub al-Islamiya. [In Persian]
- Montazeri, Hossein Ali. (1997). *Studies in the field of jurisprudence and Islamic jurisprudence*. Qom: Al-Maqrez al-Alami for Islamic Studies and Dar al-Fikr. [In Persian]
- Mousavi Khalkhali, Mohammad Mehdi. (2001). *Sovereignty in Islam*. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Naeini, Mohammad Hossein. (1979). *Punishment of women. or government from the point of view of Islam. To the appendix of the introduction and footer and explanations*. Written by Mahmoud Taleghani: Tehran. [In Persian]

- Najafi, Mohammad Hassan. (1993). *Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam*. Seventh edition. Beirut-Lebanon: Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi. [In Arabic]
- Pye, Lucien. (1991). "Political culture and political development". Translation by Majid Mohammadi. *culture letter*. Number 5 and 6. second year. Autumn and winter culture letter. 37-47. [In Persian]
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar. (1992). *Quran dictionary*. Sixth edition. Tehran: Islamic Books Dar. [In Persian]
- Rush, Michael. (2004). *Society and politics*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Samt. [In Persian]
- Rahmani, Naser Ali. (2014). *The strategies of Shia political jurisprudence to expand political participation*. Qom: Al-Mustafa Publishing. [In Persian]
- Sobhani, Jafar. (2006). *Concepts of the Qur'an*. First Edition. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Sabzevari Najafi, Mohammad. (1998). *Irshad al-Azhan to Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ta'arif. [In Arabic]
- Soroush Mahalati Mohammad. (1996). *Advice of Muslim Imams (1)*. Islamic government magazine. number 1. 135-189. [In Persian]
- Seyed Bagheri, Seyed Kazem. (2018). "*Citizens' right to participation and political freedom with an emphasis on the Holy Quran*". *Researches of Islamic politics*. Sixth year Number fourteen. Autumn and winter. Page 41-65. [In Persian]
- Shamsuddin, Mohammad Mahdi. (1993). *In the meeting of the Islamic political party; Al-Muhammad al-Siyasi al-Islami, a study of jurisprudence and history*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Persian]
- Shirkhani, Ali. (2017). *Advice in Shia political jurisprudence. Scientific research quarterly of political science*. Volume 21. Number 83 Winter. Page 83-106. [In Persian]
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1986). *Al-Furqan in the interpretation of the Qur'an with the Qur'an*. Qom: Islamic Culture Publications. [In Persian]
- Salehi Najafabadi, Nematullah. (2001). *The jurisprudence of the government of the righteous*. Qom: Omid Farda. [In Persian]
- Sadr Sayyed Mohammad Baqer (2020). *Al-Qur'an School*. Najaf. [In Arabic]
- Taleghani, Seyyed Mahmoud. (1983). *A ray of the Qur'an*. Tehran: Publishing Company. [In Persian]
- Tusi, Abu Jafar Muhammad bin Hasan. (1993). *Amali in one volume*. first edition. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Persian]
- Tayeb, Seyyed Abdul Hossein. (1999). *Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Islam Publications. [In Persian]
- Zaheli, Wahba bin Mustafa. (1997). *Al-Tafsir Al-Munir in Al-Aqedah, Al-*

صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی؛ آقاجانی | ۱۵۷

Sharia, and Al-Manhaj. The second c. Beirut-Damascus: Dar al-Fakr al-Ma'aser. [In Arabic]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: آقاجانی، علی. (۱۴۰۲). صورت‌بندی مشارکت سیاسی در نظام سیاسی مشروع؛ رهیافتی قرآنی، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۴(۵۴)، ۱۲۱-۱۵۷.

DOI: 10.22054/RJQK.2023.74490.2838



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.